

سیر تحول تربیت معلم در آموزش و پرورش معاصر ایران: گذشته، حال و آینده

احمد
صافی*

چکیده

تعلیم و تربیت امری وقتگیر، پرمهر و در عین حال دشوار است که در آن معلمان نقطه آغاز هر تحول آموزشی و پرورشی هستند و ایجاد عالمی نو جز با تربیت آدمی نو از طریق معلمانی خلاق ممکن نخواهد بود. آموزش و پرورش کلید فتح آینده است و معلمان فاتح عرصه علم و تمدن که لازم است به خوبی انتخاب گردند و در مراکز تربیت معلم وارد شوند و با داشتن حساسیتهای عمومی و حرفه‌ای به کار تدریس و تربیت بپردازند.

موضوع تربیت معلم و سیر تاریخی و تکوینی آن در آموزش و پرورش معاصر ایران از موضوعات مهمی است که می‌تواند حال و آینده را به گذشته پیوند دهد و به مدیران و برنامه‌ریزان تعلیم و تربیت ایران در برنامه‌ریزیهای آینده یاری دهد، از این رو، در این مقاله به این موضوع مهم تحت عناوین زیر پرداخته شده است:

- مفهوم، اهمیت و ضرورت تربیت معلم
- سیر تاریخی و تکوینی تربیت معلم از ۱۲۹۷ تا ۱۳۸۷
- تحلیل قوت و ضعف و سیاستها، برنامه‌ها و فعالیتهای تربیت معلم در طی ۹۰ سال گذشته
- مشکلات و چالشها
- چشم‌انداز آینده تربیت معلم
- همچنین به استناد آمار رسمی آموزش و پرورش به روند رشد و افت مراکز تربیت معلم و دانشجو معلمان از ۱۳۲۳ تا ۱۳۸۷ اشاره شده و عدم نگرش سرمایه‌ای به آموزش منابع انسانی آموزش و پرورش از طرف سازمانها و مراجع سیاستگذاری و برنامه‌ریزی کشور، وجود مراجع متعدد مؤثر در سیاستگذاری و برنامه‌ریزی تربیت و تأمین معلم در ایران و رویکردهای مختلف بین مقامات

وزارت آموزش و پرورش، وزارت علوم و تحقیقات و فناوری، شورای هماهنگی برنامه‌های تربیت معلم و معاونت برنامه‌ریزی و نظارت راهبردی ریاست جمهوری و کمیسیون آموزش و پرورش و تحقیقات مجلس شورای اسلامی در مورد تعداد معلمان مورد نیاز وزارت آموزش و پرورش، ردیف‌های استخدامی و راه‌های تامین آن از چالش‌های عمده به شمار آمده است.

در این مقاله وجود يك مرجع برای سیاست‌گذاری تربیت معلم، تمام وقت شدن معلمان در مدارس، تاسیس مدارس تجربی یا مدارس هم‌جوار مراکز تربیت معلم و گزینش و جذب نیروی انسانی از میان متقاضیان بومی و محلی و منعطف بودن ساختارهای تربیت معلم از مواردی است که در چشم‌انداز آینده تربیت معلم به آنها اشاره شده است.

کلید واژه‌ها: سیر تحول تربیت معلم در ایران؛ دارالمعلمین؛ دانشسرای مقدماتی و عالی



زیباترین طرح اصلاح و بازسازی آموزش و پرورش در صورتی که معلم به تعداد کافی و با کیفیت مطلوب در اختیار نباشد با مشکلات روبه‌رو خواهد شد.

شادروان علی محمد کاردان ۱۳۶۷ به نقل از پیازه

مقدمه

عصر کنونی را عصری می‌دانند که هدف آموزش و پرورش تنها انتقال میراث فرهنگی و تجارب بشری به نسل جدید نیست، بلکه رسالت آموزش و پرورش ایجاد تغییرات مطلوب در نگرشها، شناختها و در نهایت رفتار انسانهاست. در به انجام رساندن این رسالت در آموزش و پرورش همه کشورها از جمله ایران، معلمان نقشی اساسی و بسیار مهم به عهده دارند، زیرا علاوه بر داشتن نقش هدایتی و حمایتی، مسئولیت انتقال فرهنگ ایرانی، اسلامی و جهانی، ایجاد تغییرات مطلوب در کودکان، نوجوانان و جوانان را برعهده دارند.

در جهان امروز معلم شایسته معلمی است که بداند:

- چرا آموزش می‌دهد؟
- به چه کسی آموزش می‌دهد؟
- چه مطالبی را آموزش می‌دهد؟
- چگونه آموزش می‌دهد؟
- کجا آموزش می‌دهد؟
- با چه ابزار و روشهایی آموزش می‌دهد؟
- چگونه ارزشیابی می‌کند؟

معلم شایسته معلمی است که راه و رسم چگونه آموختن و چگونه اندیشیدن و چگونه زیستن را به دانش‌آموزان می‌آموزد و به خودسازی و دانش‌افزایی خود نیز توجه دارد. این‌چنین معلمی باید علاقه به معلمی داشته باشد، خوب انتخاب و تربیت گردد و برای ایفای نقشهای وی شرایط لازم فراهم شود و مورد تکریم قرار گیرد. به همین منظور، بهره‌گیری از تجارب جهانی (تاریخی و تطبیقی) ضرورت دارد. این ضرورت به دلیل سوابق طولانی اهمیت و ارزش و قداست معلمی در فرهنگ اسلامی و ایرانی و نزدیک به ۹۰ سال تربیت معلم رسمی در ایران کاملاً احساس می‌شود، از

این‌رو با تأکید و علاقه وافر شادروان استاد علی محمد کاردان در معرفی تاریخ آموزش و پرورش ایران به ویژه تربیت معلم به پیشنهاد هیات تحریریه فصلنامه تعلیم و تربیت وزارت آموزش و پرورش نگارش تاریخ تربیت معلم ایران (به اختصار) به نگارنده محول گردید. هدف اساسی این مقاله معرفی تاریخچه تربیت معلم در نظام آموزش و پرورش ایران به سبک جدید است که از تأسیس دارالفنون در ۱۲۶۸ هـ ق، و وزارت علوم در سال ۱۲۷۲ قمری به لحاظ برنامه‌ریزی، صلاحیت علمی و تجربی و تنوع معلم مورد نیاز و به گونه‌ای آغاز شده و از سال ۱۲۹۷ هـ ش، مراکز تربیت معلم رسماً تأسیس و تاکنون گسترش یافته است. در این مقاله مطالب زیر به اختصار مورد بحث قرار گرفته است.

• مفهوم، اهمیت و ضرورت تربیت معلم

• سیر تاریخی و تکوینی تربیت معلم در ایران به ترتیب زیر:

۱. دوره تأسیس دارالمعلمین و درالمعلمات و دیگر مراکز تربیت معلم از ۱۲۹۷ تا ۱۳۱۲ هـ ش
۲. دوره تأسیس دانشسراهای مقدماتی و عالی و دیگر مراکز و تصویب قانون تربیت معلم از ۱۳۱۲ تا ۱۳۵۷ هـ ش
۳. دوره بازنگری در برنامه‌های تربیت معلم و گسترش مراکز از ۱۳۵۸ تا ۱۳۸۱ هـ ش
۴. دوره ارائه رویکردهای مختلف به تربیت و تأمین معلم، تعطیل یا محدود شدن تدریجی مراکز تربیت معلم از ۱۳۸۱ تا ۱۳۸۷ هـ ش
- د) تحلیل قوت و ضعف، سیاستها، برنامه‌ها و فعالیتهای تربیت معلم در ایران
- ه) مشکلات و چالشها
- و) چشم‌انداز آینده تربیت معلم

الف) مفهوم تربیت معلم

معلم در فرهنگ معین، تعلیم‌دهنده و آموزنده معنی شده است و در فرهنگ عمید، تعلیم‌دهنده آموزاننده و آموزگار و در لغتنامه دهخدا نیز آموزنده، آموزاننده، تعلیم‌کننده، آموزگار، استاد و شیخ معنی شده است. در منشآت قائم مقام فراهانی در وصف پیغمبر اکرم (ص) آمده است که «به مکتبی نرفته و ابجدی

نخوانده، معلم علوم نخستین و آخرین بود» و در ناظم‌الاطباء معلم و متعلم را استاد و شاگرد معنی کرده‌اند. اولین معلم خداوند است و پیغمبران و امامان، معلمان بشریت هستند و پیامبر اکرم(ص) فرمود: «انی بعثت معلما» به درستی که مبعوث شدم تا تعلیم دهم.

به دانشمند و فیلسوفی که جامع علوم عصر خود و واضع بخشی از دانشها باشد، معلم گفته‌اند از این‌رو به ارسطو که علم حکمت را به قید کتابت در آورده و واضع علم منطق بوده است، معلم اول گفته‌اند. به ابونصر فارابی که کتب حکمت یونانی را ترجمه کرده است، معلم ثانی گفته‌اند و ابن مسکویه را معلم ثالث نامیده‌اند. به نظر علامه دهخدا، به ابن سینا لقب معلم ثالث داده‌اند. بنابر آنچه گفته شد «معلم» به معنی عام کلمه شامل تمام افرادی است که در عصرهای گوناگون هدایت و تربیت انسانها را به عهده داشته‌اند.

امروز، در نظامهای آموزش و پرورش جهانی از معلم به معنی خاص که واجد ویژگیها و صلاحیتهای مشخصی است (به عنوان فردی که حرفه او معلمی است) نام می‌برند. هم اکنون طبق طرح طبقه‌بندی مشاغل معلمان و مصوبات وزارت علوم، تحقیقات و فناوری، عناوین مربی کودکان، آموزگار، مربی ورزش، مربی تربیتی، مربی هنر، مربی بهداشت، دبیر، هنرآموز، مدرس (در مرکز تربیت معلم) مربی، دانشور، استادیار، دانشیار، استاد (در دانشگاهها و مراکز آموزش عالی) با نقش معلمی به معنی خاص به کار می‌رود. صاحب‌نظران از معلم و نقش وی تعریفهای متعدد ارائه کرده‌اند از جمله: «معلم کسی است که با یک یا چند دانش‌آموز یا متعلم به رفتار تعاملی می‌پردازد و هدفش از این کار این است که در متعلم، تغییری ایجاد نماید. این تغییر چه شناختی باشد چه نگرشی و حرکتی (مهارتی) از سوی معلم یک تغییر هدفمند است (سیف، ۱۳۷۳)

ب) اهمیت و ضرورت تربیت معلم

تاریخچه تعلیم و تربیت در ایران نشان می‌دهد که توجه به آداب معلمی و متعلمی و تکریم شخصیت معلمان مورد توجه بسیار بوده است. نگارش دو کتاب ادب‌الصغیر و ادب‌الکبیر «دادبه» و

طریق‌التعلیم «زرنوجی» و نوشته‌های معلم ثانی «ابونصر فارابی» و تهذیب الاخلاق «ابن مسکویه» و دیدگاه‌های ابن سینا در کتابهای شفا و قانون و کیکاووس بن اسکندر در «قابوسنامه» و غزالی در «ایهاالولد» و کیمای سعادت و نظریات خواجه نصیرالدین طوسی در اخلاق ناصری و شیخ طبری در مکارم الاخلاق و سعدی در گلستان و اوحدی در جام جم و عبدالرحمن جامی در بهارستان و جلال‌الدین محمد دوانی در اخلاق جلالی و حسین واعظ کاشفی در اخلاق محسنی و شهید ثانی در «منیة المرید فی آداب المفید و المستفید» و ملا محمد باقر مجلسی در حلیه المتقین و ملا احمد نراقی در معراج السعاده مؤید این امر است.

تا زمان تأسیس دارالمعلمین و دارالمعلمات در سال ۱۲۹۷ هـ ش، معلمان مکتبخانه‌ها و مدارس در مراکزی که اختصاص به تربیت معلم داشته باشند، تربیت نمی‌شدند.

معلمان مدارس معمولاً از میان طلاب ساعی و با استعداد انتخاب می‌شدند به آنان اجازه‌نامه اعطا می‌شد که در واقع دانشنامه یا گواهینامه معلمی نیز بود و توسط استاد و به خط وی نوشته می‌شد و در آن به تفصیل، موفقیت علمی و نفسانی متعلم شرح داده می‌شد «صدیق اعلم ۱۲۵۵».

مکتب داری یک حرفه خصوصی بود که تنها افراد با حوصله و علاقه‌مند به شغل مکتب داری به آن می‌پرداختند و برای این امر تا زمان تصویب قانون اساسی معارف در سال ۱۲۹۰ هـ ش و مصوبات شورای عالی معارف در سال ۱۳۰۰ هـ ش مجوز خاصی لازم نبود. بعضی از مدرسان مکتبخانه‌ها نیز دوره مقدمات و در مواردی سطح را در حوزه‌های علمیه گذرانیده و به کار مکتب داری می‌پرداختند.

با تأسیس دارالفنون در سال ۱۲۲۸ هـ ش، و شکل‌گیری وزارت علوم در ۱۲۳۲ هـ ش و ایجاد مدارس جدید در شهرهای ارومیه، تبریز، اصفهان و تهران و تصویب قانون اساسی معارف در سال ۱۲۹۰ هـ ش. و تعیین چهار درجه برای تحصیل شامل (دبستان دهکده، دبستان شهر، دبیرستان و مدارس عالی) نیاز به معلم به خوبی احساس گردید.

گزارش مدیرکل وزارت معارف و فواید عام در سال ۱۲۹۰ هـ ش مؤید این امر است. «تربیت اطفال مبتدی از اعمال مشکله است که باید برعهده اشخاص متخصص تفویض شود و مسلماً اگر شخصی از اصول تعلیم و تربیت بهره‌مند نشده باشد نمی‌تواند علم خود را به اطفال بیشتری بیاموزد. هر قدر هم که در آن علم به خصوص متبحر باشد (سالنامه معارف و اوقاف و صنایع متفرقه ۱۳۲۸-۲۹).

تشکیل کلاسهای خاص برای تدریس اصول تعلیم در مدرسه دارالفنون در اوایل سال ۱۲۹۰ هـ ش (سلسله سخنرانیهای عیسی صدیق اعلم در تالار دارالفنون) نیز نشانگر توجهی است که به معلم و ضرورت آگاهی و مهارت حرفه‌ای وی بوده است. بر این اساس از سال ۱۲۹۷ هـ ش، تاکنون (۹۰ سال) به نحوی که مورد بحث قرار خواهد گرفت و به دلایل زیر امر تربیت معلم و استفاده از معلمانی کارآمد و شایسته مورد توجه و تأکید صاحبان نظران تعلیم و تربیت ایران و برنامه‌ریزی آموزش و پرورش ایران قرار گرفته است.

افزایش جمعیت ایران در شهرها و روستاها؛
افزایش دانش‌آموزان در دوره‌های مختلف تحصیلی و استقبال از تحصیل مبتنی بر قوانین تعلیمات اجباری و طرحهای مصوب نظام آموزش و پرورش ایران؛

توسعه مدارس پیش دبستانی، دبستانی، راهنمایی تحصیلی، متوسطه (عمومی، فنی و حرفه‌ای)، پیش‌دانشگاهی و مراکز آموزشی شبانه و نیاز روزافزون به معلمان گوناگون؛

تراکم و تنوع واحدهای درسی و رشته‌های تحصیلی؛
تنوع نیازهای فردی و اجتماعی کودکان، نوجوانان و جوانان؛
پیشرفتهای سریع علوم و فناوری به ویژه علوم رفتاری؛
تکیه بر فلسفه کودک‌مداری و اصالت کودک در مؤسسات تربیتی؛

وجود تفاوت‌های فردی در کودکان و نوجوانان؛
ضرورت رشد ابعاد وجودی کودکان و نوجوانان (بدنی، عاطفی، اجتماعی، عقلانی و اخلاقی)؛
توسعه حرف و مشاغل بخشهای خدمات، صنعت و کشاورزی؛

گسترش وسایل ارتباط جمعی و نقش آنها در حکم کمک‌کننده و تسهیل‌کننده کار متعلم و معلم؛ توسعه فناوری اطلاعات و تأکید بر بهره‌گیری از آن در فرآیند یاددهی یادگیری؛ گسترش تحقیقات تعلیمی و تربیتی و ضرورت توجه به معلم پژوهنده؛ نگرش اقتصادی به نهاد آموزش و پرورش و تأکید بر بهره‌وری بیشتر؛ تربیت انسانی صالح و متقی در مدارس براساس ارزشهای اسلامی؛

وجود پاره‌ای از مشکلات اخلاقی، عاطفی، اجتماعی و تحصیلی در مدارس «صافی، ۱۳۸۴»

ج) سیرتاریخی و تکوینی تربیت معلم در ایران

همانطور که قبلاً گفته شد توجه به آداب معلمی از دیرباز در فرهنگ اسلامی و ایرانی ما جایگاهی خاص داشته است، لیکن تا آغاز حکومت مشروطه در ایران، دولت مرکزی برای تأسیس مراکز تربیت معلم هیچ‌گونه مسؤلیتی برای خود قائل نبوده است. از سال ۱۲۸۹ هـ ش که نخستین تشکیلات اداری وزارت معارف، اوقاف و صنایع مستظرفه به تصویب رسید و مسئولیت وزارت معارف در امور آموزش و پرورش مشخص گردید و زمینه برای تأسیس مراکز تربیت معلم فراهم شد و مراکز تربیت معلم به شرح تأسیس و توسعه یافت: «صافی، احمد تربیت و تأمین معلم در ایران، فصلنامه تعلیم و تربیت ۱۳۸۲ (ص ۱۸)

۱. دوره تأسیس دارالمعلمین و دارالمعلمات و دیگر مراکز تربیت معلم (از ۱۲۹۷ تا ۱۳۱۲ هـ ش)

۲. دوره تأسیس دانشسراهای مقدماتی و عالی و دیگر مراکز و تصویب قانون تربیت معلم (از ۱۳۱۲ تا ۱۳۵۷ هـ ش)

۳. دوره بازنگری در برنامه‌های تربیت معلم و گسترش مراکز (از ۱۳۵۸ تا ۱۳۸۱ هـ ش)

۴. دوره رویکردهای مختلف به تربیت و تأمین معلم، تعطیل یا محدودشدن تدریجی مراکز تربیت معلم (از ۱۳۸۱ تا ۱۳۸۷ هـ ش) در این قسمت دوره‌های یادشده به اختصار مورد بحث قرار گرفته است:

۱. دوره تأسیس دارالمعلمین و دارالمعلمات و دیگر مراکز تربیت معلم از ۱۲۹۷ تا ۱۳۱۲

نخستین گام در راه تربیت و تأمین معلمان مدارس ابتدایی و متوسطه، تصویب قانون تأسیس دارالمعلمین و دارالمعلمات در سال ۱۲۹۷ هـ ش، از سوی مجلس شورای ملی بود. از این تاریخ ایجاد مراکز تربیت معلم زن و مرد صورت قانونی به خود گرفت. دارالمعلمین مرکزی، مدرسه‌ای دولتی و رایگان بود و تحت نظر وزارت معارف اداره می‌شد و رئیس آن را شخص وزیر انتخاب و منصوب می‌کرد. وظیفه آن تأمین معلم برای مدارس ابتدایی و دوره اول متوسطه بود. بنابراین سطح دوره آموزشی آن به دو قسمت ابتدایی (تأمین معلم برای ۷ سال اول دوره ابتدایی) و عالی (تأمین معلم برای سال پنجم و ششم ابتدایی و دوره اول متوسطه) تقسیم می‌گردید. دوره تحصیل در قسمت ابتدایی سه سال (۲ سال نظری و یک سال عملی) و در قسمت عالی چهار سال (۳ سال نظری و یک سال عملی) به طول می‌انجامید.

شرط ورود به هر دو قسمت داشتن گواهینامه شش ساله ابتدایی و سن متقاضیان برای ورود به قسمت ابتدایی بین ۱۷ تا ۲۱ سال و برای ورود به قسمت عالی ۱۸ تا ۲۲ سال تعیین شده بود. پس از پایان مدت تحصیل به فارغ‌التحصیلان «تصدیق‌نامه معلمی» برای تدریس در دوره ابتدایی یا متوسطه اعطاء می‌گردید و موظف بودند پس از فراغت از تحصیل به مدت ۱۰ سال در وزارت معارف تعهد خدمت خود را انجام دهند.

نخستین مرکز تربیت معلم به نام «دارالمعلمین مرکزی» به ریاست الوالحسن فروغی و معاونت اسماعیل مرآت تشکیل شد. پس از آن با توجه به احساس نیاز به تربیت معلمان زن برای تدریس در مدارس دخترانه، اولین مرکز تربیت معلم دختران به نام «دارالمعلمات» به نظامت خانم نشاط السلطنه دختر صفی‌علیشاه تأسیس شد.

در فروردین ماه ۱۳۰۶ اساسنامه «دارالمعلمین شبانه اکابر» به تصویب شورای عالی معارف رسید. هدف از تأسیس این مراکز رفع نقایص تدریس معلمان ابتدایی و دوره تحصیل آن یکسال بود و در صورت عدم موفقیت معلمان در امتحانات آن، از شغل معلمی محروم می‌شدند.

در مهرماه ۱۳۰۶ اساسنامه دوره تحصیلات فنی «دارالمعلمین ابتدایی ولایات و ایالات» به تصویب شورای عالی معارف رسید. هدف از آن، تأمین معلمان مدارس ابتدایی استانها و شهرهای ایران بود. متقاضیان شغل معلمی با مدرک دوره اول متوسطه وارد این مراکز می‌شدند و در صورتی که دوره یکساله را با موفقیت می‌گذرانیدند. به آنان «گواهی فارغ التحصیلی معلمی» اعطا می‌شد.

در سال ۱۳۰۷ قانون فرستادن دانشجو به خارج از کشور برای تحصیل در دانشگاه‌های معتبر اروپا به تصویب رسید. به موجب این قانون، دولت موظف شد تا ۶ سال، هر سال صد نفر از میان فارغ التحصیلان دبیرستانها انتخاب کند و به اروپا اعزام نماید. ۳۵٪ از این دانشجویان به موجب قانون بایستی در رشته تعلیم و تربیت تحصیل کنند و برای معلمی آماده شوند.

به منظور گسترش دبیرستانها و تربیت و تأمین دبیران مورد نیاز آن، در سال ۱۳۰۷ دارالمعلمین مرکزی به «دارالمعلمین عالی» تبدیل گردید و برنامه تربیت معلم متوسطه بنیانگذاری شد. اساسنامه و برنامه دارالمعلمین عالی در سال ۱۳۰۸ به تصویب شورای عالی معارف رسید. دارالمعلمین عالی مشتمل بر دو قسمت علمی و ادبی بود که قسمت ادبی شامل رشته‌های فلسفه، ادبیات، تاریخ و جغرافیا و قسمت علمی شامل رشته‌های فیزیک، شیمی، طبیعیات و ریاضیات بود. دوره تحصیلات دارالمعلمین عالی ۳ سال در نظر گرفته شده بود و دارندگان گواهینامه کامل متوسطه رشته ادبی و علمی می‌توانستند در رشته ادبی یا علمی این مؤسسه برای تحصیل ثبت نام کنند. طبق اساسنامه، تدریس دروس علوم تربیتی از مهرماه سال ۱۳۱۱ در دارالمعلمین عالی اجرا گردید و دانشجویان این مرکز ملزم بودند که علاوه بر تحصیل در رشته خود مواد علوم تربیتی را نیز فراگیرند و امتحان دهند. مواد علوم تربیتی شامل ۶ درس و هرکدام به میزان ۲ ساعت در هفته بود. این دروس عبارت بودند از:

۱. معرفت النفس از لحاظ تربیتی ۲. فلسفه تربیت ۳. علم اجتماع از لحاظ تربیت ۴. تاریخ تعلیم و تربیت ۵. مبانی تعلیمات متوسطه ۶. اصول تعلیم و تربیت. دانشجویان مختار بودند که این

دروس را در مدت ۳ سال همراه با مواد رشته تحصیلی خود یا مدت یکسال به طور مستقیم بگذارند. بر اساس «قانون استخدام فارغ التحصیلان دارالمعلمین عالی» این فارغ التحصیلان با رتبه ۴ به استخدام در می‌آمدند. در صورتی که سایر کارکنان دولت با رتبه ۳ استخدام می‌شدند. وزارت معارف مکلف بود فارغ التحصیلان دارالمعلمین عالی را در مدارس دولتی به خدمت بگمارد و دولت نمی‌توانست این فارغ التحصیلان را تا موقعی که وزارت معارف به آنان نیازمند بود در هیچ‌یک از ادارات خود به خدمت بپذیرد. محل دارالمعلمین عالی در باغ نگارستان (حوالی میدان بهارستان) قرار داشت. استادان دارالمعلمین عالی عبارت بودند از:

- عباس اقبال آشتیانی، معلم جغرافیای انسانی و تاریخ (فارغ‌التحصیل از دانشگاه پاریس)
 - میرزا احمد بهمنیار، معلم زبان و ادبیات عرب و معلم مدرسه عالی سپهسالار
 - اسداله بیژن، معلم علوم تربیتی (فارغ التحصیل از دانشگاه کلمبیا)
 - محمود حسابی، معلم فیزیک (فارغ التحصیل از دانشگاه پاریس)
 - ابوالقاسم ذوالریاستین، معلم گیاه‌شناسی و کشاورزی (فارغ التحصیل از مدرسه کشاورزی پاریس)
 - رضازاده شفق، معلم تاریخ و فلسفه (فارغ التحصیل از دانشگاه برلن)
 - عبدالحسین شیبانی، معلم تاریخ و وزیر اسبق معارف
 - سیدکاظم عصار، معلم حکمت قدیم
 - بدیع‌الزمان فروزانفر، معلم ادبیات فارسی
 - مسعود کیهان، معلم جغرافیا و وزیر اسبق جنگ
- ضمناً ۸ نفر از اساتید این مرکز را معلمان فرانسوی تشکیل می‌دادند که فارغ التحصیل دانشسرای عالی پاریس بودند.

۲. دوره تأسیس دانشسراهای مقدماتی و عالی و دیگر مراکز و تصویب قانون تربیت معلم (از ۱۳۱۲ تا ۱۳۵۷ هـ.ش)

از قوانین مهم دیگری که برای تربیت و تأمین معلمان مدارس ابتدایی و متوسطه وضع شده «قانون تربیت معلم» است. این قانون در اسفند ماه ۱۳۱۲ هـ ش، به تصویب رسید و به موجب آن دولت مکلف شد از اول فرودین ۱۳۱۳ هـ ش تا مدت ۵ سال، ۲۵ باب دانشسرای مقدماتی و یک باب دانشسرای عالی دختران در تهران و در ولایات دیگر تأسیس و دانشسرای عالی پسران را نیز تکمیل نماید.

در این قانون عنوانهای «آموزگار» برای معلم دوره ابتدایی، «دبیر» برای معلم دوره متوسطه، «هنرآموز» برای معلم هنرستان و «استاد» برای معلم مدارس عالی دانشگاه وضع گردید. بر اساس این قانون شرط ورود به دانشسراهای مقدماتی، داشتن تحصیلات سه ساله متوسطه و شرط ورود به دانشسراهای عالی، داشتن گواهینامه کامل متوسطه بود. همچنین در این قانون مقرر شده بود که به آموزگاران و دبیران حق تأهل، حق مسکن و فوق‌العاده خارج از مرکز نیز پرداخت شود. (مفاد این قانون و اجرای آن موجب گردید تا افراد بهتر جذب شغل دبیری شوند.) حقوق و مزایای دبیران از همه ادارات بیشتر شود و زمینه‌های گسترش مراکز تربیت معلم در تهران و دیگر استانها و شهرها فراهم آید.

برابر مفاد «قانون تربیت معلم» دانشسراها باید شبانه‌روزی و رایگان باشند. مدت تحصیل در دانشسراهای مقدماتی ۲ سال و در دانشسرای عالی ۳ سال تعیین شده بود. گواهینامه پایان تحصیلات دانشسرای عالی معادل با لیسانس بوده است. برای هریک از دانشسراها یک دبستان یا یک دبیرستان ضمیمه پیش‌بینی شده بود که دانشجویان سال دوم باید در آنجا تمرین معلمی می‌کردند. طبق آئین‌نامه اجرایی این قانون نخستین دانشسراهای مقدماتی در شهرهای تهران، تبریز، اصفهان، شیراز، کرمان، مشهد، رشت، بیرجند، ارومیه، بروجرد، کرمانشاه، اهواز و یزد تأسیس شد. با تأسیس دانشسراهای مقدماتی، دارالمعلمین و دارالمعلمات تعطیل گردید.

برابر «قانون تربیت معلم» در سال ۱۳۱۲ هـ ش، دارالمعلمین عالی به «دانشسرای عالی» تغییر نام یافت که بعد از تأسیس دانشگاه تهران در سال ۱۳۱۳ هـ ش بخش ادبی آن به دانشکده

ادبیات و بخش علمی آن به دانشکده علوم تبدیل شد. به عبارت دیگر دانشسرای عالی عملاً استقلال خود را از دست داد و اداره آن تحت نظارت دانشگاه تهران ادامه یافت. در سال ۱۳۳۴ هـ ش، دانشسرای عالی از دانشکده ادبیات و علوم مجزا گردید و در سال ۱۳۳۸ هـ ش، قانون «استقلال دانشسرای عالی» به تصویب رسید.

داوطلبان تحصیل در دانشسرای عالی از میان فارغ التحصیلان دوره کامل متوسطه یا لیسانسیه‌های رشته‌های مورد نیاز از طریق مسابقه انتخاب می‌شدند. دوره تحصیلات برای فارغ التحصیلان متوسطه حداقل ۳ سال و برای لیسانسها حداقل یک سال بوده است. به فارغ التحصیلان دانشسرای عالی «دانشنامه معلمی» اعطا می‌گردید. برابر مفاد همین قانون همه ساله عده‌ای از آموزگاران شاغل به خدمت که دارای گواهینامه کامل متوسطه و ۵ سال سابقه آموزشی بودند، از طریق آزمون انتخاب و به دانشسرای عالی معرفی می‌شدند. آنان موظف بودند پس از فراغت از تحصیل حداقل ۵ سال در همان حوزه‌ای که انتخاب شده بودند، خدمت نمایند.

به موجب «قانون تعلیمات اجباری» مصوب سال ۱۳۲۲ هـ ش، دانشسراهای مقدماتی در مناطق گوناگون کشور به تدریج توسعه یافتند و براساس این قانون کلاسهای کمک آموزگاری نیز برای رفع کمبود آموزگار تشکیل شدند. این کلاسها به دو صورت برگزار می‌شدند: دوره ۲ ساله که شرط ورود به آن داشتن گواهینامه تحصیلات ششم ابتدایی بود و دوره یکساله که برای دارندگان گواهینامه سوم متوسطه تشکیل می‌گردید. لیکن به دلیل ضعف دارندگان گواهینامه ششم ابتدایی، از سال ۱۳۲۴ هـ ش، شرط اصلی ورود به این کلاسها داشتن گواهینامه سوم متوسطه تعیین شد. در سال ۱۳۲۵ هـ ش، «اساسنامه کلاسهای تربیت معلم» به تصویب رسید که به موجب آن مقرر شد به طور آزمایشی در تهران کلاس تربیت معلم تاسیس شود. شرط ورود به این کلاسها داشتن گواهینامه پنجم متوسطه و مدت تحصیل یکسال پیش‌بینی شده بود و فارغ التحصیلان آن گواهینامه ششم متوسطه علوم تربیتی دریافت می‌کردند.

در سال ۱۳۲۷ هـ ش، به منظور تأمین و تربیت معلمان ورزش برای مدارس کشور، اساسنامه دانشسراهای تربیت بدنی به تصویب شورای عالی فرهنگ رسید. شرط ورود به این دانشسراها داشتن گواهینامه سوم متوسطه و مدت تحصیل در آنها ۲ سال تعیین شد.

در سال ۱۳۲۸ هـ ش، برای تأمین آموزگاران دبستانهای کشاورزی اساسنامه دانشسرای کشاورزی به تصویب رسید و پس از تشکیل ۷ باب دانشسرای کشاورزی و ۶ باب دانشسرای تربیت بدنی، فعالیت این دانشسراها عملاً از سال ۱۳۴۳ هـ ش تعطیل گردید.

در سال ۱۳۳۴ هـ ش، اساسنامه دانشسراهای عشایری به منظور تأمین آموزگاران دبستانهای عشایر به تصویب رسید. شرط ورود به این دانشسراها داشتن حداقل مدرک تحصیلی ششم ابتدایی و عشایری بودن تعیین شده بود که پس از تشکیل دوره راهنمایی، فارغ التحصیلان سوم راهنمایی نیز در این دوره پذیرفته می‌شدند. مدت تحصیل در این دانشسراها یکسال بود.

در سال ۱۳۳۸ هـ ش به منظور تأمین آموزگاران مورد نیاز دبستانهای کشور دوره یکساله تربیت معلم تأسیس شد. شرط ورود به این دوره داشتن دیپلم کامل متوسطه بود و به فارغ التحصیلان آن فوق دیپلم داده می‌شد. با شروع کار سپاهیان دانش پسر در سال ۱۳۴۱ هـ ش، کلاسهای تربیت معلم یکساله پسران تعطیل شد و با ایجاد برنامه سپاهیان دختر در سال ۱۳۴۷ هـ ش، دوره یکساله تربیت معلم منحل گردید. برابر مصوبه سال ۱۳۴۱ هـ ش اساسنامه دوره تربیت معلم فنی و حرفه‌ای به تصویب شورای عالی فرهنگ رسید. هدف از این دوره تربیت معلمان مورد نیاز آموزشگاههای حرفه‌ای بود.

در سال ۱۳۴۳ هـ ش، طبق اساسنامه مربوط «دانشسرای عالی صنعتی» تأسیس شد. هدف از تأسیس این دانشسرا تربیت دبیران فنی در رشته‌های گوناگون برای تدریس در هنرستانها بود. دانشسرای عالی صنعتی به تدریج تغییر هدف داد و به دانشگاه علم و صنعت تبدیل شد. در سال ۱۳۴۳ هـ ش، دانشسرای عالی که در سال ۱۳۱۲ هـ ش، تأسیس شده بود، منحل شد و به جای آن «سازمان تربیت معلم و تحقیقات تربیتی»

به وجود آمد. این سازمان دارای سه مؤسسه: تربیت دبیر، تربیت مدیر و راهنمای تعلیماتی و مؤسسه تحقیقات و مطالعات تربیتی بود. «صافی، احمد ۱۳۷۱»

در سال ۱۳۴۶ هـ ش، مجدداً دانشسرای عالی دایر و مؤسسه تدریس ریاضیات به سه مؤسسه قبلی افزوده شد و اختیارات آموزش و پرورش در مورد دانشسرای عالی به عهده وزارت علوم و آموزش عالی نهاده شد. در سال ۱۳۴۷ هـ ش، اساسنامه مرکز تربیت معلم کودکان استثنایی به تصویب شورای عالی آموزش و پرورش رسید. دارندگان دیپلم کامل متوسطه با گذراندن یکسال تحصیلی در این مراکز به تدریس در مدارس ابتدایی کودکان استثنایی می‌پرداختند.

در سال ۱۳۴۹ هـ ش دانشسراهای راهنمایی تحصیلی در تهران و شهرستانهای رشت، تبریز، همدان، کرمانشاه، اهواز، شیراز، کرمان، مشهد، اصفهان و ساری تأسیس شدند. تأسیس این دانشسراها با توجه به تغییر ساختار آموزش و پرورش در سال ۱۳۴۵ هـ ش و پیش‌بینی دوره راهنمایی تحصیلی در نظام آموزش و پرورش ایران صورت گرفت. در این مراکز ابتدا رشته‌های تحصیلی علوم تجربی، ریاضی، علوم انسانی، حرفه و فن و زبان خارجی دایر شد. و مدت تحصیل در این مراکز ۲ سال معین شد.

به منظور تأمین مربیان مورد نیاز کودکانها و دوره آمادگی، مراکزی از سال ۱۳۵۱ هـ ش، در تهران و شهرستانها تأسیس شدند. مدت تحصیل در این مراکز ابتدا ۶ ماه بود، سپس به یکسال (۱۰۰۰ ساعت) افزایش یافت. در این مراکز فقط بانوان با مدرک دیپلم متوسطه می‌توانستند وارد شوند.

در سال ۱۳۵۲ هـ ش، تشکیلات اداری و آموزشی جدید دانشسرای عالی شامل دانشکده تربیت معلم علوم، دانشکده تربیت معلم ادبیات و علوم انسانی و دانشکده علوم تربیتی به تصویب رسید. در سال ۱۳۵۲ هـ ش دانشسرای عالی به «دانشگاه تربیت معلم» تغییر نام یافت. هدف دانشگاه تربیت معلم، تربیت معلمان و دبیران متخصص و متعهد در زمینه‌های گوناگون علوم و فنون و ادبیات، تحقیق و مطالعه در علوم تربیتی، تربیت مدیران و کارشناسان امور آموزشی و متخصصان راهنمایی و مشاوره و سنجش اندازه‌گیری، در زمینه‌های گوناگون آموزش به

منظور تجهیز نیروی انسانی لازم و تأمین قسمتی از نیازهای آموزش و پرورش است.

در خرداد ماه سال ۱۳۵۴ هـ ش، قانون الحاق ۲ ماده به «قانون اجازه تأسیس دانشسراهای مقدماتی و عالی» به تصویب رسید به موجب این قانون وزارت آموزش و پرورش می‌توانست داوطلبان ورود به مراکز آموزشی تربیت معلم را در هر مرکزی (از قبیل مراکز تربیت مربی کودک، دانشسراهای عشایری، مقدماتی، راهنمایی تحصیلی، عالی یا هر مؤسسه آموزشی دیگر) که برای تربیت معلم معین کند، از تاریخ اشتغال به تحصیل به عنوان کارآموز بپذیرد و به آنان حقوقی برابر پایه یک گروه مربوط به مدرک تحصیلی لازم برای ورود به رشته شغلی مورد نظر بپردازد. بر اساس این قانون مدت تحصیل کارآموزان در صورت استخدام در حکم خدمت آزمایشی محسوب می‌شود و فارغ‌التحصیلان این مراکز موظفند دو برابر مدت سالهای تحصیل خود را در وزارت آموزش و پرورش خدمت کنند.

در سال ۱۳۵۵ هـ ش، اساسنامه و برنامه‌های دانشسرای مقدماتی مورد تجدیدنظر قرار گرفت که براساس آن دارندگان مدرک دوم متوسطه نظری نظام جدید (دهم) می‌توانستند به این دوره وارد شوند و پس از ۲ سال تحصیل در دانشسرا به آنان دیپلم کامل در رشته آموزش ابتدایی اعطاء می‌گردید. دارندگان مدرک دوره اول متوسطه نظام قدیم (سیکل اول) پس از ۲ سال تحصیل با مدرک پنجم علمی به استخدام وزارت آموزش و پرورش در می‌آمدند.

شرایط پذیرش در دانشسراهای عشایری نیز تغییر کرد و دارندگان مدرک تحصیلی سوم راهنمایی پس از ۲ سال و دارندگان مدرک پنجم ابتدایی پس از ۴ سال از دانشسرا فارغ‌التحصیل می‌شدند و منحصراً در مناطق عشایری به تدریس می‌پرداختند. گرچه دانشسراهای مقدماتی و عالی از مهمترین مراکزی بودند که در آنها بیشترین آموزگاران و دبیران از سال ۱۳۱۳ هـ ش تا سال ۱۳۵۷ (سال پیروزی انقلاب اسلامی) تربیت شده‌اند، ولی بنا به ضرورت، مراکزی دیگر با روشهای متفاوت نیز برای تربیت و تأمین آموزگاران و دبیران و مربیان نیز به وجود آمدند

و برخی از آنان پس از مدت کمی فعالیت منحل شدند. این مراکز و روشها عبارت بودند از:

۱. دانشسرای تربیت بدنی ۱۳۲۷ هـ ش، ۲. دانشسرای کشوری ۱۳۲۸ هـ ش، ۳. دانشسرای عشایری ۱۳۳۴ هـ ش، ۴. تأمین مربیان هنر و موسیقی مدارس ۱۳۱۴ هـ ش، ۵. تشکیل کلاسهای کمک آموزگاری ۱۳۲۲ هـ ش، ۶. تربیت معلم روستایی (۲ساله) ۷. مراکز تربیت معلم یکساله ۱۳۳۸ هـ ش، ۸. دوره تربیت معلم حرفه‌ای پسران و دختران ۱۳۴۱ هـ ش، ۹. تأمین معلمان ابتدایی روستایی از طریق سپاه دانش ۱۰. تأسیس مرکز تربیت معلم دینی ۱۳۴۵ هـ ش، ۱۱. تأسیس دانشسراهای راهنمایی ۱۳۴۸ هـ ش، ۱۲. تأسیس مراکز تربیت معلم استثنایی ۱۳۴۷ هـ ش، ۱۳. تأسیس انیستیتو مربیان هنری، ۱۴. تأسیس دانشسرای هنر ۱۵. تأسیس مراکز تربیت مربی کودک ۱۳۵۱ هـ ش، ۱۶. تأسیس مرکز تربیت معلم معمولان لرستان ۱۳۵۵ هـ ش، ۱۷. انحلال دانشسرای عالی و تأسیس موسسه تربیت معلم و تحقیقات تربیتی ۱۳۴۳ هـ ش، ۱۸. دانشگاه تربیت معلم ۱۳۵۳ هـ ش، ۱۹. دانشسرای عالی سپاه دانش ۱۳۴۳ هـ ش، ۲۰. تأسیس دانشکده‌های علوم تربیتی دانشگاهها (و اولین دانشکده علوم تربیتی و روانشناسی دانشگاه تهران ۱۳۴۷ هـ ش)
- در سال تحصیلی ۵۸-۱۳۵۷ تعداد ۲۴۶ مرکز تربیت معلم با ۱۸۵۵ کلاس و ۵۷۸۳۲ کارآموز زیر نظر وزارت آموزش و پرورش دایر بوده است که معلمان مورد نیاز دوره‌های مختلف تحصیلی از طریق این مراکز و آموزش و پرورش و مرکز تربیت دبیر دانشگاه تربیت معلم و دانشکده‌های علوم تربیتی و روانشناسی دانشگاههای کشور تأمین می‌شدند.

۲. دوره بازنگری در برنامه‌های تربیت معلم و گسترش مراکز دیگر (از ۱۳۵۸، ۱۳۸۱ هـ ش)

پس از انقلاب اسلامی در اساسنامه‌ها، برنامه‌های درسی و آئین‌نامه‌های آموزشی و امتحانی مراکز تربیت معلم و همچنین برنامه‌های درسی مراکز تربیت دبیر دانشگاهها تغییراتی به وجود

آمد و قوانینی برای مراکز تربیت معلم و استخدام کارآموزان آنها وضع گردید. بررسی اسناد مربوط به تربیت معلم و تربیت دبیر از سال ۱۳۵۸ تا ۱۳۸۱، تغییرات و تحولات متعدد را از نظر کمی و کیفی در مراکز تربیت معلم نشان می‌دهد از جمله:

• توقف پذیرش دانشجو برای مراکز تربیت معلم و تربیت دبیر به منظور تجدیدنظر در اساسنامه‌ها و برنامه‌های درسی و ساختار آموزشی

• تصویب اساسنامه جدید مراکز دو ساله تربیت معلم در شورای عالی آموزش و پرورش در سال ۱۳۶۱ هـ ش و تأمین معلمان دوره ابتدایی و راهنمایی تحصیلی و مدارس استثنایی در ۱۲ رشته به شرح زیر:

۱. آموزش ابتدایی ۲. زبان و ادبیات فارسی ۳. علوم اجتماعی
 ۴. ریاضی ۵. علوم تجربی
 ۶. زبان انگلیسی ۷. امور پرورشی ۸. دینی و عربی ۹. هنر ۱۰.
 - تربیت بدنی ۱۱. حرفه و فن ۱۲
- آموزش کودکان استثنایی در چهار گرایش «نابینا، ناشنوا، عقب مانده ذهنی و ناسازگار»

تشکیل دانشسراهای تربیت معلم

تعطیل شدن دانشسراهای مقدماتی و مراکز تربیت کودک و نیاز روزافزون به معلمان ابتدایی، به ویژه در روستاها و عدم تکاپوی فارغ‌التحصیلان رشته آموزش ابتدایی مراکز تربیت معلم، مسؤلان آموزش و پرورش را بر آن داشت تا طرحی جدید برای تأسیس دانشسراهای مقدماتی و روستایی تهیه نمایند. از این رو اساسنامه‌ای جدید در سال ۱۳۶۲ هـ ش به تصویب شورای عالی آموزش و پرورش رسید و به تدریج مراکز چهار ساله بعد از دوره راهنمایی تحصیلی و مراکز دو ساله بعد از دوم متوسطه تأسیس و گسترش یافت.

تشکیل گروه هماهنگی برنامه‌های تربیت معلم

به منظور ایجاد هماهنگی در برنامه‌های تربیت معلم کشور و فراهم کردن زمینه ادامه تحصیل معلمان در سطح کاردانی و

کارشناسی در دانشگاه‌های کشور براساس مصوبه مورخ ۱۳۶۳/۶/۱۳ انقلاب فرهنگی، گروه هماهنگی برنامه‌های تربیت معلم تشکیل شد. ریاست این گروه، با وزیر آموزش و پرورش و اعضای آن دو نفر از معاونین آموزش و پرورش، معاون آموزشی وزارت علوم و تحقیقات و فناوری و صاحب‌نظرانی از این دو وزارتخانه از جمله رئیس دانشگاه تربیت معلم و دبیر شورای عالی برنامه‌ریزی وزارت علوم بوده است.

تصویب قانون متعهدین خدمت در آموزش و پرورش در سال ۱۳۶۹

طبق مفاد این قانون دانش‌آموزان دانشسراها، کارآموزان مراکز دوساله تربیت معلم و دانشجویان رشته‌های دبیری دانشگاه‌ها در آغاز ورود به دوره تحصیلی متعهد می‌شوند که در وزارت آموزش و پرورش خدمت نمایند و از حقوق کارآموزی ماهانه معادل حقوق و فوق‌العاده شغل مدرک تحصیلی مربوط استفاده نمایند. اجرای این قانون گرایش به تحصیل در مراکز تربیت معلم را افزون ساخت.

مراکز تربیت معلم فنی و حرفه‌ای

در سال ۱۳۶۹ هـ ش طبق پیشنهاد گروه هماهنگی برنامه‌های تربیت معلم، مراکز تربیت معلم دوساله فنی و حرفه‌ای در رشته‌های تحصیلی ساختمان، قدرت، ماشین‌افزار، تأسیسات، ریخته‌گری، سرامیک، صنایع شیمیایی و ... تأسیس و گسترش یافتند. این مراکز در آموزشکده‌های فنی و حرفه‌ای وابسته به وزارت آموزش و پرورش دایر شده‌اند.

مرکز آموزش عالی فنی انقلاب اسلامی

به منظور تأمین هنرآموزان رشته‌های گوناگون هنرستانهای فنی و حرفه‌ای، دوره کارشناسی ناپیوسته در مرکز آموزش عالی فنی انقلاب اسلامی در لویزان تهران و سپس در مدرسه عالی فنی بابل ایجاد گردید.

دانشگاه تربیت معلم تهران

این دانشگاه که برابر اساسنامه مصوب، تربیت دبیر مورد نیاز وزارت آموزش و پرورش را بر عهده دارد، کماکان با همکاری وزارت آموزش و پرورش در تربیت رشته‌های دبیری اقدام نموده و تا سال ۱۳۸۱ هـ. ش، این همکاری ادامه داشته است.

دانشگاه تربیت معلم استانها

یکی از سیاستهای وزارت فرهنگ و آموزش عالی وقت ایجاد و گسترش دانشگاههای تربیت معلم در مراکز استانها و شهرستانها بوده است. لذا علاوه بر دانشگاه تربیت معلم تهران، در شهرهای زاهدان، کاشان، تبریز، سبزوار و یزد نیز دانشگاه تربیت معلم ایجاد شده است.

دانشگاه آزاد اسلامی

براساس توافق وزارت آموزش و پرورش و دانشگاه آزاد اسلامی در سال ۱۳۶۴ هـ. ش، ۶۴۰۰ نفر از معلمان در دوره کاردانی این دانشگاه پذیرفته شدند و به تدریج دانشکده‌های تربیت معلم در بعضی از دانشگاههای آزاد اسلامی کشور تأسیس و گسترش یافتند. برنامه‌های درسی رشته‌های گوناگون آن شامل دروس عمومی، اختصاصی و تربیتی همانند برنامه‌های تربیت دبیر دانشگاههای تربیت معلم بوده است.

دانشگاه پیام نور و اختصاص درصد قابل توجهی از ظرفیت رشته‌های علوم تربیتی به معلمان

دانشگاه شهید رجایی

دانشگاه شهید رجایی در سال ۱۳۸۱ هـ. ش، علاوه بر تربیت دبیر فنی و حرفه‌ای به تربیت دبیر در رشته‌های دیگر اقدام نموده است. طبق توافق وزارت آموزش و پرورش و وزارت علوم تحقیقات و فناوری، مرکز آموزش عالی فنی انقلاب اسلامی تهران جای خود را به دانشگاه شهید رجایی داده و هم اکنون نیز مهمترین

دانشگاه تربیت دبیر فنی برای وزارت آموزش و پرورش است. بنابراین در فاصله سالهای ۱۳۵۸ تا ۱۳۸۱ مراکز متعدد دو ساله، چهارساله برای تأمین معلمان دوره ابتدایی، مراکز تربیت معلم دو ساله برای تأمین دبیران دوره راهنمایی و مراکز تربیت دبیر در دانشگاههای تربیت معلم، شهید رجایی، دانشگاه آزاد اسلامی، آموزشکدههای فنی و حرفه‌ای و دانشکدههای علوم تربیتی و روانشناسی دایر گردیده و از نظر کمی و کیفی توسعه قابل توجهی داشته است.

۴. دوره رویکردهای مختلف به تربیت و تأمین معلم و تعطیل یا محدودشدن تدریجی مراکز تربیت معلم (از ۱۳۸۱ تا ۱۳۸۷)

تاکنون دو دیدگاه و رویکرد اساسی در زمینه ساختار تربیت معلم و روشهای تأمین معلم در سیاستگذاری و برنامه‌ریزی تربیت معلم وزارت آموزش و پرورش وجود داشته است.

الف) رویکرد اول: به دلیل گسترش دانشگاهها و مراکز عالی کشور و افزایش فارغ‌التحصیلان دانشگاههای کشور و تصویب به کارگیری معلمان دارای درجه لیسانس در دوره ابتدایی و فوق لیسانس در دوره راهنمایی و متوسطه در هیأت دولت و قانون مدیریت و خدمات کشوری در سال ۱۳۸۶ لازم است:

- آموزگاران و دبیران مورد نیاز دوره‌های مختلف تحصیلی وزارت آموزش و پرورش از فارغ‌التحصیلان دانشگاههای گوناگون کشور با گذراندن دوره‌های یک ساله یا دو ساله مهارتهای تعلیم و تربیت، تأمین گردند.

- مراکز تربیت معلم دوساله، چهارساله، دانشسراهای تربیت معلم و مراکز دو ساله تربیت معلم (دانشسراهای راهنمایی) و شبانه‌روزی این مراکز تعطیل گردد.

- شاغلان در مدارس وزارت آموزش و پرورش به تناسب نیاز در دانشگاهها و مدارس عالی کشور در دوره‌های کارشناسی کارشناسی ارشد ادامه تحصیل دهند.

ب) رویکرد دوم: معلمی امری است حرفه‌ای و تخصصی و معلمان باید دارای صلاحیتهای عمومی (اخلاقی، مذهبی و روانی و جسمانی) و صلاحیتهای حرفه‌ای و تخصصی باشند. این نوع از

سیر تحول تربیت معلم در

معلمان لازم است در مراکز تربیت معلم زیر نظر وزارت آموزش و پرورش تربیت شوند و در انتخاب و تربیت آنان این وزارتخانه نقش اساسی داشته باشد. آنان باید براساس ضوابط و نیازهای شهر و روستا به استخدام در آیند.

چالش برآمده از این دو رویکرد موجب شده است که از سال ۱۳۸۱ تا ۱۳۸۷ هـ ش، مراکز تربیت معلم دو ساله و چهارساله که معلمان مناطق روستایی و محروم را تأمین می‌کردند، تعطیل شوند یا تعداد مراکز تربیت دو ساله محدود گردد و در نتیجه فضاهای گسترده مراکز تربیت معلم کشور بدون استفاده بمانند، همچنین دانشگاههای تربیت معلم به تربیت دانشجوی آزاد بپردازند و ردیفهای استخدامی وزارت آموزش و پرورش کاهش یابند و در کنکور سراسری سال ۱۳۸۷ هـ ش، برای مراکز تربیت معلم دو ساله وزارت آموزش و پرورش دانشجویی پذیرفته نشود، پذیرش دانشجوی آزاد در دانشگاه شهید رجایی با مشکلاتی اساسی مواجه گردد و عده قابل ملاحظه‌ای از معلمها مورد نیاز این وزارتخانه از طریق سرباز معلم و استخدام معلمان حق‌التدریسی تأمین شود.

در جدول زیر که مؤید این نکته است که تا سال ۱۳۷۰-۷۱ تعداد مراکز تربیت معلم و کارآموزان آنها روند صعودی داشته و تا سال ۱۳۸۷ سیر نزولی یافته است. در زمینه ادامه تحصیل شاغلان در مدارس نیز از سال ۱۳۸۱ تاکنون سیاستی مدون وجود نداشته تفاوتی میان دیدگاههای وزارت آموزش و پرورش و وزارت علوم، تحقیقات و فناوری در این زمینه وجود دارد. مراکز آموزش عالی فرهنگیان نیز محدود شده و فرصتهای ادامه تحصیل معلمان در سطوح مختلف تحصیلی روند صعودی و نزولی داشته است.

آمار دانش آموزان و مراکز تربیت معلم و دانشسراهای روستایی طی سالهای

تحصیلی ۱۳۸۷-۱۳۲۲

(آقا زاده ۱۳۸۲ ص ۳۲۲) و آمار رسمی وزارت آموزش و پرورش (۱۳۸۶)

سال تحصیلی	شمار مراکز تربیت معلم	شمار دانش آموزان	جمع دانش آموزان
------------	-----------------------	------------------	-----------------

سیر تحول تربیت معلم در

و دانشجو- معلمان	و دانشجو- معلمان		و دانشسراهای روستایی	
	پسر	دختر		
۱/۵۷۲	۹۳۳	۶۳۹	۴۳	۱۳۲۲-۲۳
۱/۷۵۱	۱۶۰۸	۱۴۳	۴۱	۱۳۳۳-۴۳
۳۷۷۳	۱۵۴۵	۲/۲۲۸	۳۱	- ۴۳ ۱۳۴۳
۳۴۳۹۸	۱۶۸۵۱	۱۷۴۴۷	۱۱۰	۱۳۵۴-۵۳
۵۴۴۳۵	۳۹۹۰۳	۳۴۵۳۲	۲۲۸	۱۳۵۶-۵۷
۳۴۷۲۶	۲۲۲۰۶	۱۲۵۲۰	۲۰۹	۱۳۵۸-۵۴
۶۱۶۶	۴۱۲۴	۲۰۴۲	۳۲	۱۳۵۹-۶۰
۳۵۹۴۸	۲۸۴۹۱	۷۱۸۱	۱۳۴	۱۳۶۴-۶۳
۶۴۹۴۸	۴۳۳۱۸	۳۲۷۳۰	۳۵۸	۱۳۶۷-۶۸
۱۰۴۰۳۹	۶۰۰۶۱	۴۲۹۷۸	۵۴۶	۱۳۷۰-۷۱
۱۶۹۸۵	۹۳۱۷	۷۷۶۸	۱۰۰	۱۳۷۵-۷۶
۱۴۳۲۱	۷۷۵۷	۶۵۶۴	۸۲	۱۳۷۹-۸۰
۱۳۲۵۲	۶۳۹۴	۶۹۵۸	۹۷	۱۳۸۰-۸۱
۹۷۵۱	۴۷۴۱	۵۰۱۰	۹۰	۱۳۸۴-۸۵
۱۸۸۵۸	۱۱۵۵۴	۷۳۰۴	۹۷	۱۳۸۶-۸۷
در سال تحصیلی ۸۸-۱۳۸۷ در کشور سراسری دانشگاه‌های کشور دانشجویی برای سال اول پذیرفته نشده است.				- ۸۸ ۱۳۸۷

خوشبختانه این سیاست تغییر یافته و قرار است در سال تحصیلی ۸۹-۱۳۸۸ در بعضی از رشته‌ها دانشجوی جدید پذیرفته شود.

د) تحلیل قوت و ضعف، سیاستها، برنامه‌ها و فعالیتهای تربیت معلم در ایران

بررسی سیر تحولات تربیت معلم در ۹۰ سال گذشته، نشانگر این واقعیت است که نظام جذب، تربیت و تأمین معلم در آموزش و پرورش ایران دستخوش تغییرات و بازنگریهای مستمر قرار گرفته و نقاط قوت و ضعف قابل توجهی داشته است که در زیر به اهم آنها اشاره می‌شود:

۱. نقاط قوت

تصویب قوانینی مهم مانند قانون تربیت معلم در سال ۱۳۱۲ هـ ش و قانون منعهدین خدمت مصوب ۱۳۶۹ هـ ش ایجاد و گسترش ساختارهای متعدد برای تربیت و تأمین معلمان شهری و روستایی و عشایری مدارس شهری، روستایی و استثنایی از ۱۳۹۷ تا ۱۳۸۱ هـ ش پیش‌بینی پزشک در اساسنامه دارالمعلمین و دارالمعلمات در سازمان مراکز تربیت معلم

تأکید بر تأسیس مدارس ضمیمه دانشسراهای مقدماتی و عالی در قانون تربیت معلم مصوب ۱۳۱۲ هـ ش تصویب قانون اعزام محصل به خارج و تأکید بر اختصاص دادن ۳۵ درصد از دانشجویان اعزامی در رشته معلمی انتشار مجله اصول تعلیمات در ۱۲۹۸ هـ ش برای ارتقا و افزایش اطلاعات معلمان کشور که اکنون به نام فصلنامه تعلیم تربیت منتشر می‌شود

اختصاص دادن درصد قابل توجهی از ساعات درس مراکز تربیت معلم به علوم تربیتی و روانشناسی

تشکیل دادن گروه هماهنگی تربیت معلم با تصویب شورای عالی انقلاب فرهنگی و وزارت علوم تحقیقات و فناوری در وزارت آموزش و پرورش

تأکید بر ایجاد و گسترش دانشسراهای مقدماتی و عالی و تأمین بیشترین معلمان کشور از این طریق

تهیه لوایح متعدد در مورد تربیت معلم و تأمین نیروی انسانی وزارت آموزش و پرورش برای تصویب در هیأت دولت و مجلس شورای اسلامی

ایجاد دانشسراهای تربیت معلم با رشته‌های متنوع و اداره آنها به صورت شبانه‌روزی و پذیرش دانشجویان بومی (زن و مرد)

تأکید بر توجه به تربیت معلم در طرح اصلاح نظام آموزش و پرورش در سال ۱۳۴۴ «طرح اصلاح آموزش و پرورش ایران ۱۳۴۴ هـ ش»

تصویب اصول متعدد در مورد گزینش، تربیت، ارتقا و رفاه معلمان در طرح تغییر نظام آموزش و پرورش ایران در ۱۳۶۷ و تأکید بر تمام وقت شدن معلمان کشور «طرح تغییر نظام آموزش و پرورش ۱۳۶۷ هـ ش»

تأکید بر توجه کردن به تربیت معلم در برنامه‌های توسعه کشور از جمله برنامه سوم توسعه و چهارم توسعه ۱۳۸۳، ۱۳۷۹، ۱۳۸۴ و ۱۳۸۸ هـ ش

تصویب کردن اصول حاکم بر تربیت معلم در شورای هماهنگی برنامه‌های تربیت معلم در سال ۱۳۷۷ هـ ش

تصویب کردن طرح نظام جامع تربیت معلم در گروه هماهنگی برنامه‌های تربیت معلم و ارائه به مراجع ذی‌ربط در سال ۱۳۸۶ هـ ش

ارتقای سطح تحصیلات معلمان شاغل در مدارس وزارت آموزش و پرورش

مطالعه همه‌جانبه وضعیت تربیت معلم و تأمین نیروی انسانی وزارت آموزش و پرورش در سند ملی آموزش و پرورش و ذکر قلمرو، وظایف، رویکردها و اصول حاکم بر نظام تربیت معلم و تأمین نیروی انسانی در سال ۱۳۸۷ هـ ش

ایجاد دانشگاه شهید رجایی به منظور تربیت و تأمین معلمان فنی و حرفه‌ای

تأکید ریاست جمهوری در اجلاس رؤسای آموزش و پرورش کشور در تابستان ۱۳۸۷ مبنی بر ضرورت وجود دانشگاه مستقل تربیت معلم در وزارت آموزش و پرورش

وجود دانشکده‌های علوم تربیتی و روان‌شناسی و تربیت معلم در دانشگاه‌های متفاوت کشور و بهره‌مندی معلمان شاغل آموزش و پرورش در سال‌های گذشته

تصویب کردن اساسنامه مراکز تربیت معلم و مراکز عالی فنی و حرفه‌ای در شورای گسترش وزارت علوم، تحقیقات و فناوری در راستای تأسیس مجتمع آموزش عالی پیامبر اعظم در سال ۱۳۸۶ هـ ش

۲. نقاط ضعف

عدم تصویب طرح‌های متعدد تهیه شده در مورد تربیت معلم و نیروی انسانی وزارت آموزش و پرورش در مراجع ذی‌ربط وجود دو وزارتخانه آموزش و پرورش و آموزش عالی از سال ۱۳۴۶ هـ ش تاکنون و در نتیجه وجود مراجع گوناگون برای سیاستگذاری درباره تربیت معلم

تغییر کردن وزرا و مقامات وزارت آموزش و پرورش و در مواردی وزارت علوم، تحقیقات و فناوری و در نتیجه تغییر کردن سیاست‌های مربوط به تأسیس و گسترش مراکز تربیت معلم و نحوه تأمین معلمان مورد نیاز

تفاوت عمده و اساسی میان دیدگاه مقامات سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی وقت و مسئولان وزارت آموزش و پرورش در مورد نیاز وزارت آموزش و پرورش به معلم و در نتیجه عدم تخصیص ردیف‌های استخدامی لازم

کمبود بودجه برای تربیت معلم و بازآموزی معلمان وجود مراجع متعدد مؤثر در گزینش، تربیت، استخدام و ارتقای معلمان و در مواردی ناهماهنگی در سیاستگذاری عدم وجود مدارس تجربی و ضمیمه مراکز تربیت معلم و کمبود امکانات تمرین معلمی

تعطیل شدن شورای هماهنگی برنامه‌ریزی تربیت معلم به‌کار گماردن معلمان حق‌التدریسی، سرباز معلم‌ها و مربیان نهضت سوادآموزی برای تأمین قسمتی از معلمان مورد نیاز تغییرات در برنامه‌های تربیت معلم، کتاب‌های درسی به تناسب نیاز دانشجویان

ه) مشکلات و چالش‌ها

توجه به نقاط قوت و ضعف تربیت معلم به گونه‌ای که مطرح شد نشان می‌دهد که وزارت آموزش و پرورش هم‌اکنون در مورد تربیت و تأمین و ارتقای علمی معلمان و کارکنان خود با مشکلات و چالش‌های متعدد روبه‌روست که مهمترین آنها عبارتند از:

۱. اختلاف نظر در مورد شمار دانش‌آموزان مدارس کشور در شهر و روستا و پیش‌بینی جمعیت دانش‌آموزی در آینده میان مقامات وزارت آموزش و پرورش، کمیسیون آموزش و پرورش و تحقیقات مجلس و معاونت برنامه‌ریزی و نظارت راهبردی ریاست جمهوری در مورد معلمان مورد نیاز کشور بر حسب جنس، رشته تحصیلی و در نتیجه محدود شدن ردیف‌های استخدامی در وزارت آموزش و پرورش

۲. تصویب قانون مدیریت خدمات کشوری و تأکید بر استخدام دارندگان مدرک تحصیلی لیسانس و بالاتر در وزارت آموزش و پرورش و در نتیجه عدم پذیرش دانشجو در مراکز تربیت معلم در سال ۱۳۸۷ هـ ش

۳. عدم نگرش سرمایه‌ای به آموزش منابع انسانی آموزش و پرورش از طرف سازمانها و مراجع سیاستگذاری و برنامه‌ریزی کشور و مبادی توزیع و تخصیص منابع

۴. تهیه طرحهای متعدد، مطالعات مکرر، پژوهشهای زیاد و عدم تصویب در مراجع ذیربط یا عدم ایجاد زمینه مناسب برای اجرای آنها یا عدم استفاده از داده‌های پژوهشها در سیاستگذاریها و در نتیجه نبود سیاستی جامع، مدون، قابل اجرا و مورد توافق مراجع ذیربط در مورد تربیت معلم و تأمین نیروی انسانی وزارت آموزش و پرورش. مصادیق این چالش را در موارد زیر می‌یابیم:

• تصویب اصول ۳۵ تا ۴۴ مربوط به معلم، انتخاب، جایگاه، تربیت و گسترش مراکز تربیت معلم و عدم اجرای اصل ۳۷ مربوط به تمام وقت بودن معلمان در طرح نظام جمهوری اسلامی ایران مصوب ۱۳۶۷ هـ ش

• تصویب کردن طرح نظام جامع تربیت معلم در گروه هماهنگی برنامه‌ریزی تربیت معلم و تأکید کردن بر پذیرش معلم در وزارت آموزش و پرورش از طریق نظام تربیت معلم در سال ۱۳۸۶ هـ ش و استخدام و به کارگیری معلمان مورد نیاز از طرق دیگر در سال ۱۳۸۶ و ۱۳۸۷ هـ ش

• تصویب اساسنامه دانشگاه پیامبر اعظم و مجتمع آموزش عالی فنی و حرفه‌ای در شورای گسترش وزارت علوم، تحقیقات و فناوری در سال ۱۳۸۷ هـ ش

۵. روز آمد نبودن برنامه‌های مراکز تربیت معلم

۶. عدم تناسب مهارتهای حرفه‌ای و سطح تحصیلات معلمان با نیازهای شغلی آنان

۷. وجود پاره‌ای قوانین و مقررات ناهماهنگ درباره مراجع سیاستگذاری در زمینه تربیت و تأمین معلم در آموزش و پرورش چالشهای یاد شده ایجاد می‌کند. که شورای عالی آموزش و پرورش به دلایل زیر موضوع تربیت معلم و راههای تأمین معلم را در وزارت آموزش و پرورش به سرعت در دستور کار خود قرار دهد.

۱. ریاست این شورا برعهده رئیس جمهور است.

۲. وزیر علوم، تحقیقات و فناوری یکی از اعضای این شورا است.

۳. نمایندگان بعضی از سازمانهایی که به تربیت و تأمین نیروی انسانی وزارت آموزش و پرورش مرتبط هستند و یا تخصص علوم تربیتی دارند در این شورا عضویت دارند.

۴. وزیر آموزش و پرورش و چند تن از معاونان وی و نمایندگان دوره‌های ابتدایی، راهنمایی و متوسطه از اعضای اصلی این شورا هستند.

۵. بررسی و تصویب مقررات و اصول لازم برای گزینش تخصصی و تربیت و استخدام معلمان به تناسب احتیاجات در مراحل تحصیلی با رعایت ضوابط عمومی گزینش در کل کشور از وظایف مهم مصوب شورای عالی آموزش و پرورش است. این اختیار را مجلس شورای اسلامی به این شورا داده است.

(و) چشم‌انداز آینده تربیت معلم ایران

با توجه به افزایش جمعیت دانش‌آموزی در دوره‌های مختلف تحصیلی بر اساس افزایش جمعیت کشور در شهرها و روستاها و ضرورت عمومی و اجباری شدن تعلیمات عمومی و نیمه تخصصی کشور تا پایان دوره متوسطه و با توجه به پیشرفت سریع علوم و تجارب بشری، به ویژه علوم تربیتی و روانشناسی و روش‌های یاد دهی - یادگیری و توسعه فناوری و ابزار آموزش و تحولات مربوط به نظام آموزش و پرورش ایران در افق چشم‌انداز ۲۰ ساله کشور چشم‌انداز نظام تربیت معلم ایران باید گونه‌ای باشد که:

۱. یک مرجع به عنوان وزارت آموزش و پرورش عمومی و عالی، برنامه‌ریزی، سیاستگذاری و نظارت بر اجرای امور تربیت و تأمین معلم را برعهده داشته باشد.

۲. معلم به صورت تمام وقت در مدارس اشتغال ورزد و فرصت کافی برای برقراری ارتباط فردی و جمعی با دانش‌آموزان و خانواده‌ها داشته باشد و بتواند علاوه بر تدریس در کلاس و دانش‌افزایی به امر پژوهش نیز بپردازد.

۳. رویکرد به نظام تربیت معلم و تأمین منابع انسانی، رویکردی موقعیت-محور باشد و این امر مبنای سیاستگذاری در زمینه تربیت، نگهداشت، ارتقا و ارزشیابی معلمان قرار گیرد.

۴. گزینش و جذب نیروی انسانی تا حد امکان از میان متقاضیان بومی و محلی صورت گیرد.

۵. با توجه به حرفه‌ای و تخصصی بودن کار معلم، اشتغال به شغل معلمی فقط از طریق نظام تربیت معلم و داشتن گواهینامه یا پروانه معلمی انجام شود.
۶. تأسیس مدارس تجربی یا مدارس همجوار مراکز تربیت معلم مورد تأکید قرار گیرد.
۷. انتخاب معلمان براساس صلاحیت علمی و اخلاقی و اعتقادی، علاقه به کار معلمی و سلامت کامل جسمی و روانی صورت گیرد.
- ۸- قوانینی مناسب، به منظور استخدام، رفاه و ارتقا معلمان وضع گردد.
۹. در ساختار اداری و تشکیلاتی مراکز تربیت معلم، تغییرات لازم صورت گیرد و از دارندگان مدارک تحصیلی دکترا در روش آموزش، بیشتر استفاده شود.
۱۰. با گسترش مراکز تربیت معلم، سطح تحصیلات معلمان به فوق لیسانس و دکتری ارتقا یابد.
۱۱. در برنامه‌های درسی مراکز تربیت معلم علاوه بر دروس عمومی، پایه و عمومی و تخصصی، کارآموزی و کارورزی، مجموعه‌ای از دروس تربیتی نیز ارائه شود تا دانشجویان علاوه بر کسب دانش مورد نیاز با فنون معلمی، شیوه‌های تدریس، روانشناسی تربیتی، طراحی آموزشی، مدیریت کلاس و برنامه‌ریزی درسی آشنا شوند «طرح نظام جامع تربیت معلم ۱۳۸۶ ص ۱۴»

منابع

- آقازاده، احمد (۱۳۸۲)، *تاریخ آموزش و پرورش ایران، تهران: انتشارات سمت آموزش و پرورش در آئینه هفتاد و دو روز سرپرستی وزارت آموزش و پرورش (۱۳۸۴)*.
- اهم اقدامات و عملکردهای آموزش و پرورش در دولت نهم، (۱۳۸۶) اداره کل روابط عمومی.*
- دهقانی، داریوش (۱۳۷۶). تعریفی نو برای آسیای نوین در همایش مشارکت پیشرفت معلم، تک نگاشت شماره ۷. تهران: پژوهشکده تعلیم و تربیت.
- ژان پیازه، چون (۱۳۶۷) *روان‌شناسی و دانش آموزش و پرورش؛ ترجمه علی محمد کاردان، تهران: انتشارات دانشگاه تهران*
- سند توسعه آموزش و پرورش در برنامه پنج ساله چهارم توسعه: (۱۳۸۳) دفتر آمار و برنامه‌ریزی و بودجه وزارت آموزش و پرورش*
- سیف، علی اکبر (۱۳۷۳) *ملاکهای شایستگی معلم، فصلنامه مدیریت در آموزش و پرورش شماره ۴، سالنامه معارف و اوقاف و منابع مستظرفه ۱۳۳۶-۲۹ قمری صافی، احمد، (۱۳۵۸) سازمان و قوانین آموزش و پرورش ایران، تهران: انتشارات سمت، چ شانزدهم*
- _____ (۱۳۷۳)، *تربیت معلم در ایران، هند و پاکستان، تهران: انتشارات مدرسه*
- _____ (۱۳۸۲) *تربیت و تأمین معلم در ایران، فصلنامه تعلیم و تربیت شماره ۱، بهار*
- _____ (۱۳۸۵) *مسائل آموزش و پرورش ایران، تهران: نشر ایران*
- _____ (۱۳۸۷) *سیمای معلم. تهران: انتشارات انجمن اولیا و مربیان*
- صدیق، عیسی، (۱۳۵۵) *تاریخ فرهنگ ایران، تهران: انتشارات دانشگاه تهران*
- طرح اصلاح آموزش و پرورش (۱۳۴۴). ایران. وزارت آموزش و پرورش*
- طرح کلیات نظام آموزش و پرورش جمهوری اسلامی سال (۱۳۶۷). ایران. وزارت آموزش و پرورش*
- طرح نظام جامع تربیت معلم، دفتر آموزش و ارتقا مهارت‌های حرفه‌ای و تربیت معلم (۱۳۸۶)*
- قانون برنامه چهارم توسعه، سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی ۱۳۸۴-۸۸*
- قانون تشکیل شورای عالی آموزش و پرورش، (۱۳۸۳) دبیرخانه شورای عالی*
- قانون مدیریت خدمات کشوری، (۱۳۸۶) روزنامه رسمی جمهوری اسلامی ایران*

سیر تحول تربیت معلم در

گزارش تلفیق نتایج مطالعات نظری مربوط به طرح سند ملی آموزش و پرورش، وزارت

آموزش و پرورش (۱۳۸۷)

وزارت آموزش و پرورش، آمار آموزش و پرورش (۱۳۸۷)

وظایف گروه هماهنگی برنامه‌های تربیت معلم (۱۳۷۸)

